



Investigation and analysis of the conflicts between Iran and Saudi Arabia(Case Study: Yemen)

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

- 1.Ebrahim Romina*.Ph.D.
- 2.Mohammad Reza Hafez Nia .Ph.D.
- 3.Farzad Ahmadi Davazdah Emami.

1. Assistant Professor, Department of Political Geography, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

2. Full Professor, Department of Political Geography, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

3. PhD student, Department of Political Geography, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Correspondence:*

Address: Assistant Professor, Department of Political Geography, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email: e.roumina@modares.ac.ir

Article History:

Received: 29.11.2021

Accepted: 27.04.2022

Conflict is defined as a situation in which one human group is at involvement with another owing to aims that are incompatible. Due to their features and capacities, the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia are two decisive and significant countries in the area. The Islamic Revolution of Iran has created a field of rivalry and conflict between two countries, which has impacted other surrounding areas. Yemen is one of the most important areas in the sector, owing to variables such as closeness to Saudi Arabia, the Arab Spring, a large Shiite population, the emergence of Shiite organizations and movements, geostrategic location, and so on. The two regional powers' geopolitical interests are located. The purpose of this descriptive-analytical research is to learn more about the nature of the war in Yemen between Iran and Saudi Arabia. What reasons have contributed to the emergence of conflict and rivalry between Iran and Saudi Arabia in Yemen? That is the major subject of the study. The study's results suggest that the war in Yemen is rooted in geopolitical and ideological cases.

Keywords: Iran, Saudi Arabia, Conflict, Geopolitic, Yemen.

بررسی و تحلیل منازعات میان ایران و عربستان (مطالعه موردی: یمن)

مقدمه

ایران و عربستان به لحاظ محوریت ژئوپلیتیک و به‌کارگیری اصول خود در نقش‌های منطقه‌ای خویش، بازیگران کلیدی در منطقه بشمار می‌روند. به‌نحوی که دو کشور در حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جهان قرار گرفته و مناطق ژئوپلیتیکی فعالی با کارکردهای گسترده و پر شمار گرداگرد آنها را فرا گرفته و دو کشور را به‌صورت کانون جاذبه دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی درآورده است. این موقعیت نه تنها باعث تاثیرگذاری ایران و عربستان بر فرآیند تحولات جهانی و منطقه‌ای می‌شود بلکه کارکرد مناطق پیرامونی نیز می‌تواند مسائل آن‌ها را زیر سایه خود قرار دهد [۳۰].

کشور یمن با تسلط بر تنگه استراتژیک باب‌المندب که اقیانوس هند و دریای عرب را به دریای سرخ و مدیترانه متصل می‌کند و همچنین اشراف کامل بر آبراه حساس دریای سرخ، خلیج عدن و کوه‌های استراتژیک مران همواره مورد توجه ویژه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. امنیت تنگه باب‌المندب برای تمامی کشورهای ساحلی دریای سرخ از نظر ترانزیت نفت، کالا و تسلیحات حائز اهمیت اساسی است. یمن دارای جزایر زیادی از جمله جزیره مهم و استراتژیک پریم در دریای سرخ است که از آن‌ها می‌تواند در مقاصد نظامی و کنترل عبور و مرور کشتی‌ها استفاده نماید [19].

از زمان سرنگونی رژیم پهلوی در ایران و اتحاد دوباره یمن، کشمکش میان حکومت مرکزی و قبایل حوثی، زمینه‌هایی برای رقابت ایران و عربستان سعودی بر سر گسترش نفوذ در یمن فراهم کرده است [۲۶]. رقابت سعودی و ایران خصوصاً در پی حوادث موسوم به بیداری اسلامی که در یمن نیز فرصت بروز و ظهور پیدا کرد، وارد مرحله پیچیده‌ای شد. عربستان که همواره حفظ حکومت همسو با خود در یمن جزئی از علائق ژئوپلیتیکی و خواسته‌های امنیتی‌اش بود از قدرت‌گیری شیعیان همسو با ایران بیم و هراس داشته و از سوی دیگر ایران در ادامه بسط نفوذ خود در منطقه به وسیله تلاش برای نقش‌آفرینی گسترده گروه‌های شیعی، سعی نموده تا ضمن تحقق بخشیدن به هدف مذکور برای رقبای خود و علی‌الخصوص سعودی‌ها چالش‌سازی کند و آنها را در تنگنا قرار دهد.

ابراهیم رومینا* Ph.D.

استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

محمدرضا حافظ‌نیا Ph.D.

استاد تمام گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

فرزاد احمدی دوازده‌امامی

دانشجوی دکترا رشته جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

منازعه به وضعیتی گفته می‌شود که گروه انسانی معینی با گروه انسانی دیگر به دلیل ناسازگاری در اهدافشان با یکدیگر تعارض داشته باشند. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های خود دو کشور تعیین‌کننده و مهم در منطقه محسوب می‌شوند. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، زمینه بروز رقابت و منازعه میان دو کشور شکل گرفته و سایر فضاها هم‌جوار را تحت تاثیر قرار داده است. یکی از مهمترین فضاها مذکور، کشور یمن است که به‌واسطه عواملی همچون همجواری با عربستان، بهار عربی، تعداد قابل ملاحظه جمعیت شیعیان، قدرت‌گیری احزاب و گروه‌های شیعی، موقعیت ژئواستراتژیک و... در حوزه علائق ژئوپلیتیکی دو قدرت منطقه‌ای قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال بررسی ماهیت منازعه ایران و عربستان در یمن است. سوال اصلی پژوهش بدین صورت است که چه عواملی منجر به شکل‌گیری منازعه و رقابت میان ایران و عربستان در یمن شده است؟ یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که منازعه دو کشور در یمن ریشه‌های ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی دارد.

کلمات کلیدی: ایران، عربستان، منازعه، ژئوپلیتیک، یمن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷

نویسنده مسئول: e.roumina@modares.ac.ir

شکست دیگری است. پس در این صورت کلید تشخیص یک وضعیت تنازعی، سلسله اقدامات یا عملیاتی است که به صورت کنش-واکنش بین طرف‌های درگیر حادث می‌شود [13]. در خصوص حوزه منازعه می‌توان گفت منازعه پدیده‌ای است که در تمامی عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ارزشی، نظامی و... وجود دارد.

منازعات منطقه‌ای در خاورمیانه ریشه در عوامل تاریخی، ارضی، سرزمینی، سیاسی، مرزی، ایدئولوژیک، قومی، مذهبی، نژادی، امنیتی، زبانی و تا حدودی اقتصادی دارد. یکی از حقیقت‌های بدیهی در خاورمیانه، بی‌ثباتی و ناپایداری آن است و این حالت از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل کشورهای جدیدالتاسیس تاکنون ادامه داشته است. پس از جنگ سرد نیز شکل دیگری از منازعات موسوم به منازعات مسلحانه قومی بر تشدید بی‌ثباتی منطقه‌ای افزوده است [11].

اشکال منازعه

یدالله کریمی پور در کتاب مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، منابع جغرافیایی تنش، منازعه و مشاجره را به سه گروه کلی زیر تقسیم کرده است:

۱- منابع ژئواکونومیک

۲- منابع ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک

۳- منابع ژئوکالچر

۱- منابع ژئواکونومیک مشاجره: هنگامی که قابلیت‌های اقتصادی دولت-ملت‌ها در گرو مسائل جغرافیایی باشد، ژئواکونومیک شکل می‌گیرد. تا ۱۹۹۰ میلادی، منبع مهم و اصلی درآمد ۴۰ کشور از راه فروش موقعیت استراتژیک فضای سرزمین شان حاصل می‌شد، این کشورها نمونه‌های عینی و کاملی از اقتصاد مبتنی بر جغرافیا بودند. اختلاف نظر در مکان تقسیم آب، اختلاف بر سر مالکیت جزیره‌ها و میدان‌های نفتی آنها، اختلاف بر سر مسائل کشتیرانی، محدوده‌های فلات قاره، صیدگاه، مناطق انحصاری اقتصادی و... در شمار مسائل ژئواکونومیک هستند. در جهان معاصر اهمیت مسائل ژئواکونومیک نسبت به مسائل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک رو به گسترش است و از سوی دیگر مشاجرات کشورها با انگیزه‌های

مجموعه آنچه گفته شد، منجر به شکل‌گیری منازعه میان ایران و عربستان در فضای یمن شده و این فضای جغرافیایی به صحنه رقابت میان دو قطب اصلی قدرت در منطقه بدل شده است. در این پژوهش به بررسی و تحلیل منازعات میان ایران و عربستان در یمن پرداخته می‌شود. سوال اصلی پژوهش بدین شکل صورت بندی می‌شود: علل شکل‌گیری منازعات میان ایران و عربستان در یمن کدام‌اند؟ در پاسخ به سوال اصلی پژوهش فرضیه تحقیق بدین گونه مطرح می‌گردد: بنظر می‌رسد علل ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک در شکل‌گیری منازعات میان ایران و عربستان در یمن دخیل هستند. روش شناسی پژوهش به صورت تحلیلی-توصیفی و بر پایه اطلاعات و منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

چارچوب نظری

منازعه

جنگ و منازعه نمود عینی تهدید و شدیدترین شکل اجرای آن بین افراد و گروه‌های اجتماعی و ملت‌ها است. به نظر می‌رسد دلیل اساسی بروز جنگ و ستیز به‌عنوان پدیده‌ای که همزاد انسان‌ها و موجودات زنده می‌باشد درک این موضوع است که تصرف و یا رفع تهدید از منابع و ارزش‌های حیاتی تنها با جنگیدن با رقیب امکان پذیر است [5]. واژه منازعه به وضعیتی گفته می‌شود که در آن یک گروه انسانی معین، مانند قبیله‌ای، قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی با گروه و یا گروه‌های انسانی دیگری به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهدافشان تعارض آگاهانه با یکدیگر داشته باشند [4]. منازعه نوعی از رقابت است که در آن طرفین در عین تلاش و تقلا برای دستیابی به منابع کمیاب سعی می‌کنند با تقویت موضع و ارتقای موقعیت خود، دیگری را از رسیدن به هدف مطلوب باز دارد، منصرف یا خارج سازد، به عبارت دیگر منازعه وقتی حادث می‌شود که طرفین تصور و درکی از اختلاف میان خود داشته باشند و تلاش نمایند این اختلاف را به نفع خود حل و فصل کنند و خاتمه دهند [23].

در واقع منازعه عبارت است از یک وضعیت که در آن دو یا چند حریف نیروی خود را علیه یکدیگر برای دستیابی به اهداف خاصی به کار می‌برند و برد یا غلبه یکی مستلزم باخت و

محیط شناسی تحقیق

یمن کشوری در جنوب غرب آسیا است که با نگاهی اجمالی و گذرا به ترسیمات جغرافیایی، می‌توان به موقعیت ژئواستراتژیک آن در منطقه واقف شد. در جنوب غربی یمن و در دهانه دریای سرخ، آبراه باب المندب قرار دارد. این آبراه حیاتی، گذر انرژی از خلیج فارس به آمریکا و اروپا را امکان پذیر ساخته و باعث قرار گرفتن یمن در مسیر تجارت بین المللی و مرکز ثقل مبادلات انرژی شده است. کشوری با جمعیت بالغ بر ۲۲ میلیون نفر که حدود ۴۰ درصد آن را شیعیان و ۵۵ درصد را اهل سنت تشکیل می‌دهند [12]. این کشور که در جنوب شبه جزیره عربستان قرار دارد دست کم دارای ۴ موقعیت ژئوپلیتیک ویژه است که عبارتند از: اشراف یمن بر خلیج عدن، اشراف کامل بر تنگه باب المندب، اشراف کامل بر دریای سرخ و تسلط یمن بر کوه‌های استراتژیک مران که از سواحل عدن آغاز و تا منطقه طائف در جنوب غرب کشیده می‌شود [7]. وضعیت سوق الجیشی، طبیعی و انسانی یمن سبب شده است که کشورهای غربی و عربستان همواره به این کشور چشم طمع داشته باشند. عربستان سعودی با نگاه توسعه ایدئولوژی وهابیت در آن و همچنین به دلیل مرز طولانی ۱۸۰۰ کیلومتری با این کشور از گذشته تلاش کرده است تا با ایفای نقش برادر بزرگتر برای یمن در پی حفظ و توسعه نفوذ سنتی خود در این کشور باشد و از بازار مصرف و نیروی کار ارزان آن استفاده کند [17].

ژئواکونومیک برای ملت‌ها، قابل لمس و عینی‌تر از دیگر انگیزه‌ها است.

۲- منابع ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مشاجره:

هنگامی که تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی، استقلال و ارزش‌های اساسی دولت-ملت به فضاهای جغرافیایی و سیاست ملل دیگر پیوند می‌خورد، منابع ژئوپلیتیک مشاجره شکل می‌گیرند. در واقع زمانی که استراتژی نظامی و سیاست خارجی ملت‌ها تحت تاثیر فضا و محیط جغرافیایی به ویژه موقعیت نسبی است، مسائل ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک شکل می‌گیرند. تلاش دولت‌ها، کاستن از تنش‌های ژئوپلیتیک از راه جلوگیری از تکوین نقطه‌ها، هسته‌ها، کانون‌ها و نواحی و حوزه‌های ژئوپلیتیک و یا از بین بردن تدریجی آن‌ها است.

۳- منابع ژئوکالچر مشاجره: پاره‌ای از اختلافات

همسایگان، ناشی از رقابت‌ها و یا تداخل دیرینه منابع و علائق فرهنگی می‌باشد. این چنین منابعی در شمار منابع ژئوکالچر محسوب می‌شوند. تلاش برای صدور ارزش‌های فرهنگی، رقابت‌های دیرینه قومی و ملی گرایانه و یا گستراندن نظام ارزشی و حمایت از هم‌کیشان در کشور همسایه، بخشی از این عملکردها و فعالیت‌ها است. گسترش نبردهای ایدئولوژیک، حمایت یا تلاش برای تغییر نظام سیاسی یا برکنار کردن رهبران، تعقیب مخالفان مسلح تا آن سوی مرزهای بین‌المللی، حفظ منابع فرهنگی برون مرزی و تلاش برای به دست گرفتن کنترل ایدئولوژیک منطقه، بخشی از نتایج و ماحصل رقابت‌های فرهنگی-سیاسی کشورهای همسایه است [15].

نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی یمن



یافته‌ها

اهمیت یمن برای عربستان:

یمن اگر چه کشوری فقیر است اما از لحاظ استراتژیکی در همسایگی عربستان سعودی به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت دنیا واقع شده است و تنگه باب‌المنده برای آمریکا به‌حدی اهمیت دارد که آن را در فهرست مسیرهای هفت‌گانه استراتژیکی کشتی‌های نفتی جهان قرار داده و روزانه سه میلیون و هشتصد هزار بشکه نفت و تولیدات نفتی از این تنگه روانه بازارهای بین‌المللی می‌شود. در نگاه استراتژیک عربستان سعودی، دلایلی مانند موقعیت جغرافیایی یمن و نوع روابط و تعامل آن در سال‌های گذشته و توانایی و ظرفیت اثرگذاری آن بر امنیت ملی عربستان، این کشور را در سطح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار می‌دهد. به همین دلیل در تمامی بحران‌ها و تحولات یمن در دهه‌های گذشته، عربستان سعودی با کمک‌های خود موجب همراهی یمن با سیاست‌های این کشور در سطح منطقه و در پی آن، وفاداری یمن به عربستان شود [1]. باب‌المنده، باریکه استراتژیک مهمی است که خلیج فارس را از طریق دریای سرخ به اقیانوس هند و دریای مدیترانه متصل می‌کند و به اندازه کانال سوئز اهمیت دارد. از این رو یمن همواره یکی از نقاط آسیب‌پذیر و در عین حال فرصت‌ساز و استراتژیک برای عربستان محسوب شده است. علت عمده آسیب‌پذیر بودن این کشور و مسئله‌زا بودن آن برای عربستان سعودی، علاوه بر حضور حوثی‌ها در شمال و نیز فعالیت گروه القاعده در این کشور، به اختلاف‌های مرزی صنعا و ریاض و نیز موقعیت یمن در ورودی شرقی دریای عمان و خلیج فارس و تاثیر آن بر جریان عبور و مرور از تنگه باب‌المنده که مسیر ترانزیت نفت است بازمی‌گردد. از این رو تحولات یمن و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن از گذشته دور به منزله چالشی پیش روی سعودی‌ها بوده است [6]، به همین دلیل یمن همواره در کانون توجه و نگرانی عربستان سعودی به‌عنوان رقیب منطقه‌ای ایران قرار داشته است، به‌گونه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ سعودی‌ها استراتژی امنیتی خود را بر تضعیف عراق و مقابله با احیای تهدید یمن قرار داده بودند. اما نقطه عطف روابط عربستان و یمن توافق ۲۰۰۰ جده بود که سند گذار از مرحله رویارویی به مرحله همزیستی و همکاری در

روابط دو کشور بود [10]. در واقع در کنار ابعاد ژئوپلیتیکی، از منظر هویتی نیز تحركات شیعیان و حوثی‌های یمن موجب توجه بیشتر عربستان وهایی که در تضاد با اندیشه‌های زیدیه و شیعه بود، به یمن به‌ویژه از سال ۲۰۰۴ تاکنون شده است. از این رو این کشور سعی کرده به‌صورت جدی به مقابله با تهدیدهای ایجاد شده در یمن بپردازد و در این راه از هر اقدامی از قبیل تجاوز نظامی نیز صرف نظر نکرده است [1]. به‌طور کلی می‌توان دلایل اهمیت یمن برای سعودی‌ها را در موارد زیر خلاصه کرد: رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان، مقابله با تفکرات شیعی و نشر اندیشه‌های وهابیت، نگرانی از سرایت مخالفت‌های داخلی یمن به درون عربستان و نزدیکی جغرافیایی یمن با عربستان سعودی [10].

اهمیت یمن برای جمهوری اسلامی ایران:

شیعیان یمن و به‌ویژه حوثی‌ها به لحاظ گرایش‌های سیاسی و اعتقادی، نزدیکی زیادی به ایران دارند و همین مسئله موجب شده که مردم یمن از ایران به‌عنوان رهبر جهان تشیع برای تشکیل یک حکومت دینی اصیل، الگو برداری کنند. این مسئله متجر به تعمیق قدرت جمهوری اسلامی ایران در یمن و کاهش قدرت عربستان و وهابیت در این کشور شده و موازنه استراتژیک را در مقابل عربستان در منطقه جنوبی این کشور ایجاد کرده است [1]. در نگاه استراتژیک ایران، یمن یک وزنه تعادل در دریای سرخ (حیاط خلوت سعودی‌ها) در برابر خلیج فارس محسوب می‌شود [6].

یمن از حیث ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک جزئی از علائق و اهداف ژئوپلیتیکی ایران محسوب می‌شود. توجه ایران به یمن مخصوصاً پس از درگیری‌های گروه‌های شیعی با دولت حاکم در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۱ (حوادث مربوط به بهار عربی) بیشتر از قبل شده است. شکل‌گیری دولتی شیعی در یمن، برای ایران دارای ارزش و پیامدهای فراوانی است اما مهمترین آن‌ها را می‌توان بدین شرح عنوان نمود: افزایش نفوذ ایران در حیاط خلوت عربستان، مطرح شدن دولت شیعی یمن به‌عنوان الگویی برای مبارزات شیعیان عربستانی، بسط نفوذ ایران در فضای شاخ آفریقا و کنترل آبراه استراتژیک باب‌المنده توسط شیعیان که قدرت چانه‌زنی ایران را در مقابل قدرت‌های رقیب

تهران و ریاض انجامید. ضمن آنکه فعالیت القاعده در یمن نیز بنا بر ملاحظات امنیتی موجب توجه بیشتر آمریکا و سایر قدرت‌های غربی به این کشور شد. نکته جالب اینجا است که با وجود روابط پرنوسان ایران و یمن و حمایت صالح از حق ایران در دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح آمیز، تشدید درگیری‌ها میان حوثی‌ها و دولت مرکزی و سپس ناآرامی یمن از سال ۲۰۱۱، به شدت به تقابل یمن با ایران و پیوند عمیق‌تر آنان با عربستان سعودی انجامید. همین مسئله باعث شد که به اعتقاد بسیاری، جنگ یمن و تحولات انقلابی این کشور میدان جدیدی از تقابل و رقابت میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را ایجاد کند.

حمایت ایران از انقلابیون یمن و پس از آن جنبش انصارالله و در مقابل حمایت عربستان و برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس از تثبیت اوضاع و تحکیم قدرت وابستگان دولت پیشین، سبب شده است که سرنوشت تحولات سیاسی این کشور برای دو طرف مهم باشد [17].

یمن از آن جهت برای دو کشور اهمیت دارد که می‌تواند توازن منطقه‌ای را بر هم زده و یکی از دو رقیب نامبرده را تحت فشار و تنگنا قرار دهد که آن هم ماحصل ارزش کشور یمن از نقطه نظر ژئوپلیتیکی می‌باشد. این رقابت و منازعه که پس از سال ۲۰۱۱ شکل گرفته و خلا قدرت حاصل آمده در یمن، دو کشور را به سمت استیلا بر آن سوق داده است، تاکنون نیز ادامه دارد و علیرغم وارد آمدن خسارات فراوان به زیرساخت‌های کشور مذکور چشم انداز روشنی از پایان درگیری‌ها و شکل‌گیری دولتی ملی در آن وجود ندارد.

نقش عامل ایدئولوژی در منازعه ایران و عربستان

در یمن

یمن از نظر مذهبی از دو مذهب زیدی و شافعی تشکیل شده است. زیدی‌ها که اکثریت مردم این کشور را تشکیل می‌دهند از نظر علم کلامی - فقه و اصول با عقاید شیعه نزدیکی دارند. زیدی‌ها بیشتر در نواحی کوهستانی در یمن شمالی سکونت دارند و اهل تسنن که شافعی می‌باشند در حدود نیمی از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، که اکثریت مردم جنوب این مذهب را دارند. اگرچه اختلاف‌هایی سیاسی در جامعه یمن

بالا می‌برد، ایجاد تنگنا و چالش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک برای عربستان، ایجاد فشار بر اسرائیل به واسطه نیاز حیاتی این کشور به تنگه مذکور از حیث اقتصادی و نظامی و

مدخل

عربستان سعودی که داعیه رهبری جهان عرب و اسلام را دارد، طی ۴ دهه اخیر خود را به‌عنوان رقیبی سازش‌ناپذیر برای ایران تعریف کرده و سیاست خارجی خود را در جهت عقب راندن ایران و کاهش عمق استراتژیک این کشور قرار داده است. متقابلاً ایران نیز با همه توان و ظرفیت عربستان را به هم‌آوردی در جبهه‌های مختلف فراخوانده است. رقابت میان دو کشور مذکور به سایر فضاهای منطقه سرایت کرده و حوادث و رویدادهای فضای پیرامونی آنها را متأثر از خود کرده است. یکی از فضاهایی که رقابت میان ایران و عربستان در آن تبدیل به خصومت و منازعه تمام عیار شده است به گونه‌ای که اصول سیاست خارجی چند دهه‌ای سعودی‌ها را دچار تغییر و تحول کرده، کشور همسایه و هم مرز عربستان یعنی یمن است. جدال دو کشور خصوصاً پس از شکل‌گیری موج بیداری عربی که منطقه را به سرعت همچون امواجی خروشان در بر گرفت، نمود و عینیت بیشتری یافت. از سویی ایران که فضا را برای بازیگری و افزایش نفوذ خود مهیا دید به حمایت از احزاب و گروه‌های معترض برخاست اما سعودی‌ها که محافظه کاری جوهره و ذات سیاست آن‌ها را شکل می‌داد و هراس از سقوط و از دست دادن متحدانشان وجود آن‌ها را فرا گرفته بود با رویدادهای جاری به طرق مختلف مخالفت کرده و در جهت تضعیف آن‌ها نقش آفرینی کردند. یمن نیز از این قاعده برکنار نبود.

آغاز تنش و جنگ میان حوثی‌ها و شیعیان شمال یمن با دولت یمن در سال ۲۰۰۴ به دوری دوباره یمن از ایران و نزدیکی بیشتر به سعودی‌ها انجامید. یمن، حوثی‌ها را به تلاش برای ایجاد یک دولت در شمال کشور و ایران را به حمایت از آنان متهم کرد. این در حالی بود که در جنگ داخلی سال ۱۹۹۴، حوثی‌ها از دولت مرکزی حمایت و تا سال ۲۰۰۳ روابط نزدیکی نیز با دولت داشتند. درگیری در این مقطع در یمن و ملاحظات ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی آن به جلب توجه همزمان

وجود دارد، اما اختلاف‌های مذهبی تنها به اختلاف میان حوثی‌های زیدی مذهب و سنی‌های شافعی محدود می‌شود که دلیل آن در اکثریت بودن فرقه‌های شافعی و زیدی است [9].

در سال‌های اولیه قرن بیست و یکم مسئله هویت کاملاً تغییر کرد. هویت‌ها از هویت کشوری به هویت دینی و نژادی تغییر یافت. در این راستا چنانچه بخواهیم فضای منطقه خاورمیانه را درک کنیم باید در قالب درک محیطی و درک گفتمان صورت گیرد. گفتمان نشان دهنده تمایزات است و تمایزات از هویت‌ها ناشی می‌شوند [21]. آنچه در بهار ۲۰۱۱ با عنوان جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه شکل گرفت را نمی‌توان بی‌ارتباط با رهیافت‌ها و قالب‌های گفتمانی دانست. گفتمان انقلاب اسلامی ایران توانست گام جدیدی در ارتباط با گسترش موج انقلاب‌های اجتماعی در چارچوب گفتمان اسلامی به‌وجود آورد. به این ترتیب گفتمان و هنجارهای مورد تأکید جمهوری اسلامی ایران: آزادی خواهی و عدالت طلبی، بالا بردن ارزش شیعیان، مبارزه با ظلم و فساد، استکبار ستیزی ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی می‌باشند. اما از طرفی هنجارهای عمده سیاست خارجی عربستان سعودی نیز همواره رهبری جهان اسلام و رسالت نشر جهانی اسلام مبتنی بر مذهب سنی می‌باشد [9]. در منطقه خلیج فارس این هنجارها مبتنی بر تلاش برای سرکردگی در منطقه، وحدت اعراب منطقه و رهبری آنها، جلوگیری از قدرت یابی شیعیان و کانون‌های انقلابی و جریان‌های طرفدار ایران و تحدید نفوذ ایران می‌باشد. از منظر امنیتی نیز عربستان بر یک نظم امنیتی در پیوند با غرب به ویژه آمریکا تأکید دارد. عربستان سعودی و آمریکا دارای منافع مشترک در قبال مهار ایران، اطمینان از جریان آزاد نفت خلیج فارس، ثبات در یمن و شاخ آفریقا و حذف نفوذ ایران در میان اعراب می‌باشد [22]. با این تفاسیر پیروزی انقلاب اسلامی ایران به احیای شیعیان منجر شد و موجبات خروج از انزوا و گسترش تدریجی ژئوپلیتیک شیعه در بحرین، یمن و عراق را فراهم کرد. بر همین اساس به عقیده ریاض، تهران درصدد است در قسمت جنوبی عربستان تکیه گاه شیعی را ایجاد کند [21].

اختلاف بر سر آینده سیاسی یمن و جایگاه حوثی‌ها که هم آوا با آرمان‌های انقلاب اسلامی هستند یکی از زمینه‌های

تنش‌زا در روابط ایران و عربستان می‌باشد. مقامات سعودی و یمنی، ایران را به آموزش و ارسال کمک‌های نظامی برای آنها متهم می‌نمایند [29]. عربستان سعودی به واسطه اینکه از شورش شیعیان مستقر در خاک خود بیم دارد، با هرگونه بسط نفوذ و قدرت یابی شیعیان در سطح منطقه مخالفت نموده و اساس سیاست خارجی خود را نیز بر این گزاره استوار کرده است.

تحولات یمن را می‌توان انعکاس تضادهای هویتی در فرآیند رقابت‌های ژئوپلیتیکی دانست. در این فرآیند، بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ اهداف ژئوپلیتیکی خود را از طریق ساز و کارهای هویتی پیگیری می‌کنند. بنابراین از آنجا که ماهیت روابط ایران و عربستان رقابتی است، می‌توان گفت که در سال‌های اخیر و با رشد شیعیان حوثی در جامعه یمن و اخیراً در ساختار حکومت، یمن به‌عنوان بخش دیگری از تضادهای هویتی ایران و عربستان تبدیل شده و به رقابت شیعه و سنی در منطقه نفوذ تهران و ریاض انجامیده است. چشم انداز تحولات یمن که بیشتر با جهت‌گیری‌های سیاسی خارجی ایران همسو شده، نگرانی‌های جدی را برای عربستان سعودی در پی داشته است. عربستان نگران آن است که حوثی‌ها می‌توانند به تهدیدی مستقیم برای منافع و حتی خاک آن کشور تبدیل شوند [27].

بنابراین از دید مقامات آل سعود این تحرکات در یمن، پتانسیل این را دارد که بخش دیگری از پازل هلال شیعی را تکمیل کند [25]؛ همچنین یکی دیگر از تعارض‌های هویتی دو کشور که باعث شده ایران و عربستان یکدیگر را تحمل نکنند، سازه سنتی و پادشاهی عربستان و شهروند محوری ایران است. ایران خود را انقلابی، جمهوری خواه و طرفدار بر هم زدن وضع موجود و سقوط دیکتاتوری‌ها می‌داند ولی عربستان طرفدار حفظ وضع موجود می‌باشد [24]. عربستان که در طول نیم قرن گذشته همواره با حمایت از دیکتاتوری‌های این کشور، در راستای سرکوب هر چه بیشتر شیعیان و به حاشیه راندن آنها گام برداشته است، این بار نیز پیروزی انصارالله را بر نمی‌تابد و به شیوه‌های مختلف برای حفظ حوزه نفوذ خود تلاش می‌کند [1].

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و تعهد نداشتن در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارب استوار است. از همین رو با توجه به قانون اساسی و عملکرد ایران، اهداف کلان آن را می‌توان در سه دسته تقسیم کرد: ۱- رشد و توسعه اقتصادی، حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، ۲- دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی بخش و تعارض با اسرائیل و غرب، ۳- استقرار یک جامعه اسلامی براساس مبانی شیعی [8]. به واسطه تاثیرگذاری انقلاب اسلامی و ایدئولوژی شیعی برخاسته از آن بر شیعیان یمن و علی‌الخصوص جنبش حوثی‌ها، آرمان‌های استکبار ستیزانه و جدال با صهیونیسم و وهابیت سعودی در میان آنها به شکل پررنگی مشاهده می‌شود به همین دلیل است که ایران با حمایت معنوی به این گروه در راستای دستیابی به آرمان‌های قانون اساسی خود مبنی بر شکل‌گیری یک جامعه مبتنی بر اصول شیعی تلاش می‌کند.

منازعه ژئوپلیتیک ایران و عربستان در یمن

در نگاه استراتژیک عربستان سعودی، دلایلی مانند موقعیت جغرافیایی یمن و نوع روابط و تعامل آن در سال‌های گذشته و توانایی و ظرفیت اثرگذاری آن بر امنیت ملی عربستان، این کشور را در سطح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار می‌دهد. به همین دلیل در تمامی بحران‌ها و تحولات یمن در دهه‌های گذشته، عربستان بازیگری فعال و اثرگذار بوده است. این مسئله باعث شده که دست کم از دهه ۱۹۸۰ به بعد، عربستان سعودی با کمک‌های خود موجب همراهی یمن با سیاست‌های این کشور در سطح منطقه و در پی آن، وفاداری یمن به عربستان شود [14]. در عرصه تحولات یمن، عربستان سعودی مهم‌ترین بازیگر خارجی است. عربستان همواره در یمن نقشی مداخله‌گرایانه داشته است و این کشور را حیاط خلوت خود تلقی کرده است. از جمله دخالت‌های عربستان سعودی در یمن می‌توان به نقش این کشور در جنگ داخلی یمن در سال ۱۹۹۴ اشاره کرد. علی‌سالم البیض معاون رئیس‌جمهور یمن با حمایت عربستان در ۲۱ مه ۱۹۴۴ استقلال جنوب یمن را اعلام

عربستان با خوانشی فرقه‌ای در لعاب مداخله ایران در جهان عرب، تغییرات مردم سالارانه در منطقه را به کارزار جنگ سردی تبدیل کرد تا به سه هدف خود برسد: اول، توازن قدرت منطقه‌ای را با جنگ نیابتی دوستان تکفیری خود در سوریه، لبنان و عراق علیه ایران بر هم بزند؛ دوم، مانع از سقوط متحدان منطقه‌ای خود همچون بحرین و یمن و به تبع گسترش نفوذ بازیگران رقیب شود؛ و سوم، اینکه تهدید تغییرات انقلابی در منطقه را از ریاض دور کند [17]. سیاست سنتی عربستان همواره بر مبنای حفظ دو یمن جدا شده استوار بوده و نمی‌توانست کشور متحدی را بپذیرد که از نظر نظامی قوی‌تر از آن و از نظر وسعت و جمعیت دومین کشور شبه جزیره بعد از آن باشد. عربستان با ایجاد مدارس دینی و تروریسم وهابیت در کنار ایجاد اختلاف‌های قومی، طرح سیطره پنهان بر یمن را اجرا کرد که با انتقاد صالح مواجه شد. البته، دولتمردان یمن به دلیل ضعف‌های سیاسی و نظامی، بیشتر از راه غرب به دنبال کاهش دخالت‌های عربستان بوده‌اند [17].

مقامات دولت سعودی و یمن گاهی این اتهام را مطرح کرده‌اند که رهبران حوثی به دنبال منحرف کردن پیروان خود از اصول و اقدامات میانه رو شیعه به سوی شکل ستیزه جویانه‌تر شیعه دوازده امامی مطابق راهبرد مذهبی ایران هستند [28] از سوی دیگر عربستان نیز به مانند حضور و نفوذ فرهنگی خود در اکثر کشورهای منطقه که با دلارهای نفتی و سرمایه گذاری هنگامت حمایت می‌شود، در یمن نیز برای مقابله با نفوذ ایدئولوژیک ایران و همچنین بسط ایدئولوژی خود اقدام به سرمایه گذاری و عمل متقابل نموده است.

یک منبع بلند پایه یمنی در گفتگو با پایگاه خبری العهد تصریح کرد: عربستان سعودی به تلاش خود برای انتشار تفکر وهابیت در یمن ادامه می‌دهد و این کار را از طریق راه‌اندازی برنامه درسی تکفیری تندرو در دانشگاه‌ها، مدارس و آموزشگاه‌های یمنی صورت عملی می‌سازد. دانشگاه الایمان وابسته به حزب اصلاح یمن که تحت حمایت عربستان است از مهمترین مراکز آموزشی تفکر تکفیری به شمار می‌رود. منبع مذکور افزود: دانشگاه الایمان شعبه‌هایی در برخی استان‌های یمن از جمله در استان‌های لحج، حضرموت، شبوه و عدن در جنوب این کشور دارد [۳۳].

کرد. در واقع، عربستان سعودی با حمایت‌های سیاسی، مالی و نظامی خود تلاش کرد تا یمن را تجزیه کند [4].

از منظر سعودی، استقرار ایران در فضاهایی چون سوریه، عراق، لبنان و یمن به معنی یک بازی برد- باخت به سود جمهوری اسلامی ایران است. سعودی‌ها، یمن را حیاط خلوت خود می‌پندارند. به باور آنان قدرت‌یابی شیعیان و اثرگذاری آنان محل اهداف سعودی و لاجرم غیرقابل قبول است. به همین واسطه است که ایران و عربستان به‌عنوان رهبران جهان شیعی و اهل تسنن دامنه رقابت خود را از شرق مدیترانه تا سرتاسر شبه جزیره گسترانده و به سان دو قدرت منطقه‌ای اقدام به پیکارجویی کرده‌اند. رقابت ژئوپلیتیک ایران و عربستان در منطقه مذکور را مارتین زیدان تحلیلگر مسائل سیاسی به رقابت انگلستان و روسیه در قرن نوزدهم در افغانستان با نام بازی بزرگ تشبیه کرده است که هر دو کشور به دنبال افزایش سهم قدرت و نفوذ خود در کشور مذکور بوده‌اند و امروزه نیز عربستان و ایران چنین هدفی را در مورد یمن دنبال می‌کنند.

یمن اگر چه کشوری فقیر است اما از لحاظ استراتژیکی در همسایگی عربستان سعودی به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت دنیا واقع شده است و تنگه باب المندب برای آمریکا و شرکای نفتی آن به حدی اهمیت دارد که امنیت تنگه باب المندب برای تمامی کشورهای ساحلی دریای سرخ از نظر ترانزیت نفت، کالا و نیز تسلیحات حائز اهمیت اساسی است. ۵ درصد کل تجارت نفت دنیا از این تنگه روانه بازار می‌شود. عربستان نفت خود را از طریق تنگه‌های هرمز و باب المندب به خارج صادر می‌کند و در صورتی که تنگه‌های یاد شده بسته شوند، صادرات نفت این کشور عملاً قطع می‌شود [3]. بر این اساس، عربستان همواره برای رفع این مشکل درصدد بوده تا بخش‌هایی از خاک یمن را در کنار دریای عرب یا تنگه باب المندب به اشغال خود درآورد [3]. ادعاهای ارضی عربستان نسبت به خاک یمن شامل دو سوم جنوب آن کشور بوده است. عربستان مناطق نفت خیز یمن مانند مارب، جوف، ربع الخالی و حضرموت را متعلق به خود می‌داند [2]. در این راستا، اسرائیل نیز از سیطره یک گروه حامی ایران بر تنگه باب المندب و دریای سرخ نگران است. روزنامه مصری الوفد در گزارشی با اشاره به این موضوع نوشت: اسرائیلی‌ها به زودی این واقعیت را

درک کردند که تنگه باب المندب به شدت برای آن‌ها اهمیت دارد، زیرا این تنگه مهم‌ترین گذرگاه برای حرکت کشتی‌ها و زیردریایی‌های اسرائیلی از تنگه باب المندب و اقدام آن‌ها علیه امنیت ملی ایران است [۳۱].

به باور عربستان سعودی، قدرت یابی انصارالله در یمن و شکل‌گیری یک حکومت اسلامی و مردمی در آن، همسو با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌شود و می‌توان با بهره برداری صحیح از این شرایط، به تقویت فزاینده جایگاه ایران در حوزه غرب آسیا و شمال آفریقا دست یافت و این مسئله همان چیزی است که عربستان و دیگر کشورهای عرب منطقه که دارای رژیم استبدادی هستند به شدت از آن واهمه دارند. به‌عبارت دیگر، در صورت پیروزی و تسلط کامل انصارالله بر یمن، ضلع چهارم جبهه مقاومت در منطقه شکل می‌گیرد و این امر به معنی توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه و محاصره عربستان توسط شیعیان است [18].

حکومت عربستان سعودی به دلیل ماهیت استبدادی و سنتی خود شکل‌گیری هرگونه دموکراسی در منطقه را تهدیدی برای امنیت خود می‌داند. در این میان با توجه به مجاورت جغرافیایی و پیوندهای تاریخی، شکل‌گیری جوانه‌های دموکراسی در یمن تهدیدی جدی برای حکومت آل سعود است؛ بر این اساس یکی از مهم‌ترین راهبردهای عربستان در یمن، متوقف کردن روندهای دموکراتیک است. در واقع عربستان همواره نگران آن است که موج آزادی خواهی به داخل مرزهای آن سرایت کند و به فروپاشی نظام قبیله‌ای آن منجر شود [17].

ایران به‌عنوان قدرتمندترین کشور شیعه مذهب در خاورمیانه و به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای نقش مهمی دارد. در عربستان سعودی سکونت شیعیان در شرق این کشور و حضور چشمگیر آنها در صنعت نفت این کشور به‌عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی و فرصت مطرح است. همانگونه که توال نیز معتقد است، تشیع در خلیج فارس به لحاظ جغرافیایی مذهبی غلبه دارد. از آنجا که جغرافیا به‌عنوان عامل اصلی و زیربنای ژئوپلیتیک در مباحث همگرایی و پیوند مطرح است، بنابراین شیعیان در خاورمیانه با توجه به گستره جغرافیایی - ژئوپلیتیکی که دارند به‌عنوان یک فرصت مطرح‌اند. ایران به‌عنوان هدفی ژئوپلیتیکی در پی بسترسازی یک زیر سیستم شیعه و نقش منطقه‌ای بیشتر برای

دیگر، ائتلاف به رهبری عربستان سعودی با هدف مقابله با یک تهدید فوری و حیاتی یعنی گسترش نفوذ ایران شکل گرفته است و این نکته‌ای است که به روشنی در سخنان وزیر خارجه امارات متحده عربی شیخ عبدالله بن زاید آل نهیان آشکار بود. وی چند روز پس از آغاز عملیات عاصفه الحزم در دیدار با ریاض یاسین همتای یمنی خود، ایران را به دخالت در عراق، سوریه، لبنان و یمن متهم کرد و اظهار داشت که دوستان ما در ایران قصد صدور انقلاب سال ۱۹۷۹ را دارند و این جز قانون اساسی آنها است [17].

نتیجه گیری

کشور یمن به واسطه موقعیت جغرافیایی خود در همسایگی عربستان، موقعیت ژئواستراتژیک در جوار تنگه باب المندب، ترکیب جمعیتی خاص خویش و همچنین قدرت گیری احزاب و گروه‌های شیعی همچون انصارالله پس از حوادث موسوم به بهار عربی، مورد توجه خاص ایران و عربستان به‌عنوان دو قطب قدرتمند منطقه بوده است. جمهوری اسلامی ایران به دنبال توسعه حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی خود در شبه جزیره بوده و از گروه‌های شیعی موجود در یمن حمایت تام دارد اما سعودی که یمن را حیاط خلوت خود می‌داند بالعکس خواهان سد کردن نفوذ ایران و شیعیان در همسایگی خود می‌باشد. به عبارت دیگر یمن در حوزه علائق و همزمان چالش‌های ژئوپلیتیکی دو کشور قرار دارد و منازعه میان ایران و عربستان در این کشور از علل ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی برخوردار گشته است به‌گونه‌ای که عربستان در صورت چیرگی شیعیان در یمن، به واسطه کنترل تنگه‌های مهم هرمز و باب المندب توسط شیعیان در تنگنای جغرافیایی قرار خواهد گرفت که می‌تواند اقتصاد و سیستم حاکمیتی این کشور را با بحران وجودی مواجه کند، از سوی دیگر این منازعه به واسطه نقش گروه‌های مذهبی شیعی و مقابله آنها با ائتلاف سعودی- سنی رنگ و بوی ایدئولوژیکی و مذهبی نیز دارد که نشان دهنده اثرگذاری و نقش آفرینی عامل مذهب در منازعه میان دو کشور است چنانکه عربستان سعودی قدرت گیری نیروهای شیعی در همسایگی خود را بر نمی‌تابد و آن را عاملی در جهت ایجاد ناآرامی در مرزهای خود و بسط نفوذ شیعیان و در راس آنها ایران می‌داند.

خود می‌باشد. تاثیر منطقه‌ای ایران پس از حمله آمریکا به عراق رویه دائم‌التزایدی دارد و این افزایش مزایای ژئوپلیتیکی مهمی را در رقابت‌های منطقه‌ای به ویژه در رقابت با عربستان برای ایران دارد.

تغییر استراتژی سعودی در یمن برای محدود کردن نفوذ ایران

برخی کارشناسان علت اقدام نظامی عربستان علیه یمن و جنبش انصارالله را در ماهیت مذهبی این جنبش و نزدیکی فکری و عقیدتی رهبران آن به ایران که باعث هراس عربستان سعودی و برخی دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از تقویت نفوذ ایران و همچنین آنچه خود هلال شیعی می‌نامد، می‌دانند. قدرت گیری حوثی‌ها در یمن، عربستان را در محاصره کمربند شیعی و تنگنای ژئوپلیتیکی قرار می‌دهد و توان و اهرم‌های اعمال فشار ایران بر عربستان و متحدان منطقه‌ای آن کشور را افزایش خواهد داد.

حمله نظامی مستقیم عربستان سعودی و هم پیمانان آن به جمهوری یمن؛ تغییر در استراتژی سعودی‌ها طی دهه‌های متعددی بوده است چرا که عموماً ریاض به شکلی غیر مستقیم در بحران‌های حادث شده در شبه جزیره، به شکل نظامی دخالت داشت. عربستان می‌کوشد تا با به کار گرفتن یک سیاست خارجی محافظه کارانه تهاجمی مانع از تسری موج انقلاب‌های منطقه به مرزهای داخلی خود شود. دلیل کاربست چنین واژه‌ای آن است که در این نوع از سیاست خارجی، بازیگر می‌کوشد تا ضمن حفظ وضع موجود و خنثی سازی مولفه‌های تاثیرگذار برای تغییر در نظم حاکم، این نوع از جلوگیری از راه دیپلماسی در عرصه سیاست خارجی، ارسال نیروی نظامی و سلاح و حتی اشغال نظامی عملیاتی کند. تحلیل سیاست خارجی عربستان پس از انقلاب‌های منطقه نشان می‌دهد که عربستان برای حفظ نظام منطقه‌ای تنها ناظر تحولات نبوده بلکه این کشور برای حفظ ساختارهای منطقه‌ای کوشید تا با حضور تمام قد، بر روی مولفه‌های تاثیرگذار در این انقلاب‌ها اثر بگذارد [16].

مهمترین استدلال سعودی‌ها در توجیه تجاوز نظامی به یمن تسلط حوثی‌ها بر یمن با طراحی ایران و تهدیدات آن برای امنیت دولت سعودی، منطقه و تنگه باب المندب است. به تعبیر

۹. سمیعی اصفهانی، علیرضا و همکاران. (۱۳۹۴). ژئوپلیتیک هویت و تاثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و عربستان در بحران یمن. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره دوم، ص ۲۷-۱.
۱۰. صادقی، حسین و احمدیان، حسن. (۱۳۸۹). دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها. فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶.
۱۱. عسگرخانی، ابومحمد و منصوری مقدم، جهانشیر. (۱۳۸۸). همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل: نگاهی به نظریه سازه انگارانه الکساندر ونت. فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۲۰، شماره ۳، ص ۱۸۹-۲۰۸.
۱۲. فوزی، یحیی. (۱۳۹۱). علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه: بررسی موردی جنبش سیاسی در یمن. فصلنامه جهان اسلام، سال اول، شماره اول، ص ۳۴-۱۷.
۱۳. کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۰). زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل. تهران: قومس.
۱۴. کرمی، کامران. (۱۳۹۱). عربستان و مدیریت تحولات در یمن. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۱۵. کریمی پور، یداله. (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۱۶. مدنی، مهدی و هواسی، حسین. (۱۳۹۳). رفتارشناسی سیاست خارجی عربستان در قبال مصر و بحرین بعد از انقلاب‌های عربی. فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹.
۱۷. نجات، سیدعلی و همکاران. (۱۳۹۵). راهبردهای عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن. فصلنامه مطالعات روابط بین‌المللی، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۱۷۹-۱۳۷.
۱۸. هاشمی نسب، سید سعید. (۱۳۸۸). نشست بررسی تحولات اخیر یمن. فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۲.
۱۹. همتی، ابراهیم و ابراهیمی، شهروز. (۱۳۹۷). اثرات سیاست خارجی عربستان در یمن بر نقش آفرینی ایران در

تشکر و قدردانی: نویسندگان مقاله بر خود الزم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به پاس حمایت‌های مادی و معنوی در راستای انجام پایان نامه کارشناسی ارشد که مقاله حاضر مستخرج از آن می‌باشد مراتب قدردانی را داشته باشند.

تائیدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسندگان و منابع مالی / حمایت‌ها: موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

منابع

- آل سیدغفور، سید محسن و همکاران. (۱۳۹۴). تبیین رقابت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن. فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۲.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۷۲). عربستان سعودی: نگاه به یمن. فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۷۰.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۸). عربستان و رویای تسلط بر یمن. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌الملل، شماره ۱۷.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۹۶). چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- خضری، احسان و همکاران. (۱۳۹۴). ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۳.
- درایسدل، آلسدیر و جرالده، اچ بلیک. (۱۳۸۶). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. ترجمه: دره میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۷۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

- 25 Kinninmont, Jane. (2015). Bahrain: Civil Society and Political Imagination. Middle and North Africa Programme. Chatram House, 7-36.
- 26 Mabon, Simon. (2013). the Middle Eastern Great Game. Available at: www.isn.ethz.cn
- 27 Salisbury, Peter. (2015). Yemen and the Saudi-Iranian Cold War. Middle East and North Africa Program, The Royal Institute of International Affairs, 1-13.
- 28 Terrill, W.A. (2011). The Saudi-Iranian Rivalry and the Future of Middle East Security. Pennsylvania: Strategic Studies Institute.
- 29 Whitaker, Brain. (2015). Historical Review of Relations Yemen and Saudi-Arabia. al-bab news, www.al-bab.com.
- 30 www.alwaght.net/fa
- 31 www.irdiplomacy.ir
- 32 www.tasnimnews.com
- 20 Ana Belen, Antepazo. (2015). Saudi Arabia: A Regional Power Facing Increasing Challenges, Documento de Opinion. Institute Espanol de Estudios Estrategious, 1-10.
- 21 Blanchard, Christopher. (2012). Change in the Middle East: Implications for U.S policy. CRS Report for Congress.
- 22 Cordesman, Anthony .H. (2011). U.S and Iranian Strategic Competition in the Gulf States and Yemen. (Center for Strategic and International Studies), www.csis.org.
- 23 Dougherty, James and Phaltzgraff, Robert. (1981). Contending Theories of International Relations. Publisher: Longman higher Education.
- 24 Jahner, Ariel. (2012). Saudi Arabia and Iran: the Struggle for Power and Influence in the Gulf. international Affairs Review, Vol. XX, No3, 37-50.

